

# سبعیت انسانی، غریزه حیوانی

نوشته رامین مستقیم

سر دبیر مجله گزارش، در مقدمه‌ای بر ترجمه همکار فاضلم، آقای هوشنگ کوچک شوشتی درباره سلاحهای شیمیایی (شماره ۶۲ صفحه ۵۲) در چند مورد بمباران شیمیایی رزمندگان ایرانی، مردم بی دفاع ایران و حلبچه را عملی حیوانی توصیف کرده بود. اینجانب به عنوان فارغ التحصیل رشته زیست شناسی با گرایش جانورشناسی، این مقایسه را توهمین به مقام حیوانیت می دانم و ذیلاً می گویم ثابت کنم تشبیه اعمال جنایتکارانه انسانها به توحم حیوانات خود نیز بی انصافی مخصوص موجود دویا است.

هنگامی که شکسپیر شاعر و نمایش نامه نویس انگلیسی سده هفدهم میلادی در پرده دوم نمایش نامه هملت انسان را «زیبائی جهان» و در تصور همانند خداوند «شمرده و کردارش را با فرشتگان هم سنگ دانست، هنوز فجایع جنگهای بزرگ و پی آمدهای ظهور شخصیت هائی مانند ناپلئون (کاشف مبتکر حمله توپخانه به مردم غیر نظامی)، کاترین دوم و جنگهای روس فرانسه و فرانسه و پروس و مهمتر از همه دو جنگ مهیب جهانگیر در سده بیستم، چهره اروپا را به عجز زهای کربیه منظر بدل نساخته بود. حمله های مغول، اسکندر و آتیلا نیز زادگاه کوچک شاعر نازک طبع انگلیسی را ویران نکرده بود. شکسپیر می گوید با خدا گونه توصیف کردن انسان، با اندیشه مسلط کلیسا و رواج زیونی انسان به خاطر گناه نخستین مقابله کند. اما نمی دانست که با جدا شدن کامل انسان از کلیسا، یا هر مذهب دیگری، دیو خفته در درون او آزاد می شود. البته من جنگهای پیش از شکسپیر، و به ویژه جنگهایی را که به بهانه ترویج دین رخ داده بود، از یاد نبرده ام؛ اما مقایسه کنید ابعاد فجایع آن جنگها را با جنگهایی که بعداً، و به ویژه در قرن معاصر رخ داده است...

در واقع دیو درون، نه از آغاز عصر روشنگری (رنسانس) و ستایش انسان خداگونه به قلم پیشقراولانی نظیر شکسپیر، بلکه از بدایت تمدن بشری، از همان زمانی که به قول کنراد لورنتس انسان قدرت تعقل و تصور را پیدا کرد، آزاد شده بود. منتهی این دیو به تناسب درایت و عقل مالک خود (انسان) عمل می کرد. موجود کم ظرفیتی به نام انسان با آنکه

نسبت به محیط خود بیش از سایر موجودات دقیق و کنجکاو بود، اما به بهانه ای جزئی برادر خود هابیل را کشت، و تا به امروز این هابیل کشی ادامه دارد. به نظر من، این میل به هابیل کشی، همان غریزه یا آرزوی مرگ است که فروید در انسان کشف کرد. خواه علیه خود انسان باشد، یا فرد یا حتی موجودی دیگر. البته رفتارشناسان و روانشناسان نو مارکسیست نظیر اریک فروم «بطلان غریزه گرایی و تمایل به مرگ و ویران سازی» را اعلام می کنند و پرخاشگری و تهاجم ابراز شده از سوی انسان را، نهفته در درونش نمی دانند. بلکه به تنگی فضای زیست و نظام جابرابه طبقاتی نسبت می دهند.



اما همین اریک فروم نمی تواند نمونه های بی شمار آزارهای انسانی و خشونت های بشر نسبت به هم نوع خود، و حیوانات را توجیه کند. او نمی تواند توجیه کند که چرا بعضی از حکام ایران و امرای عرب مراسم سرزنی ویژه ای برگزار می کردند که از این قرار بود: به محکوم به مرگی مژده هفو می دادند و به او می گفتند برای دریافت فرمان هفو و خلعت شاهانه باید از در کاخ به طرف تخت امیر- یا حاکم- بدود. محکوم امیدوار می دوید، و آنهم چه دویدی! ناگاه از پشت یک ستون ستر، شمشیر آخته میرغضبی مهیب صافه وار صغیر می کشید و سراو را جدا می کرد و بدن وی بساقی راه تا تختگاه را، بی سر طی می کرد و می دوید و حاکم و اطرافیانش از دیدن این منظره لذت می بردند و قاه قاه می خندیدند!

یک شاهد دیگر بیارم: به سنگ نبشته سنخیرت درباره نابودسازی کامل شهر بابل دقت کنید:

«شهر و خانه ها (یش) را از بالا تا پائین، نابود ساختم، ویران کردم، به آتش سوختم، دیوار و دیوارهای بیرونی، معبد ها و خدا یان، برج های آجرین

و گلین معبد، هر آنچه را وجود داشت، پاک ویران کرده به درون آبراهه آراختو فرو انکندم. از میان آن شهر آبراهه ها حفر کردم. مکانش را به سیلاب شستم و بنیادش را ویران ساختم. ویرایش را از هر آنچه سیلی می کند، کاملتر کردم!»

هیچ طقه ای از این ویران سازی سود نمی برد و یا هیچ فضای تنگی آدم را به این نوع ویران سازی و کشتار و انمی دارد. آنچه ارضاء می شود تمایلی نهفته در درون آدمی است که همان دیو درون است و البته به اسمهای دیگری نظیر آدمک<sup>۲</sup> هم خوانده شده است. بسه نظر عده ای دیگر از روانشناسان و جامعه شناسان، ریشه این تمایل به ویران سازی انسانی را، در تمدن های شهرنشینی باید جستجو کرد. پاتریک گدس که در مورد تمدنهای باستانی تحقیق کرده است می گوید:

«هر تمدن تاریخی با هسته شهری و زنده ای، پولیس، آغاز می شود و با گورستان مشترک استخوانها و غبار، نکر و پولیس، یا شهر مردگان پایان می یابد. خرابه های سوخته، بناهای درهم ریخته، کارگاههای تهی، توده های تفراله بی معنی، جمعیتی قتل عام گردیده یا به بردگی رانده شده!»

به پاتریک گدس و اریک فروم باید گفت که از غارها و دخمه های متعلق به قدیمی ترین گونه انسان، یعنی آفریقانی (African australopithecine) و انسان پکن (Sinanthropus pekinensis) استخوانهایی از انسان یافت شده که بدست هم نوع خود به قتل رسیده یا دچار نقص عضو شده بودند. حتی شواهدی در دست است که انسان پکن هم نوع خود را بر آتش بریان می کرد و می خورد.<sup>۵</sup>

پس هر اشکالی هست از قامت ظاهراً راست اما بسه حقیقت ناراست انسان است و نه از تمدن شهرنشینی و محیط او. هر چند عوامل بیرونی بر سمیت دیو درون آدمی می افزاید.

شاید در ذهن خوانندگان این پرسش مطرح شود که مگر در میان حیوانات هم تهاجم دیده نمی شود؟ چرا، تهاجم وجود دارد اما در حیوانات بر خلاف انسان، مهارهای لازم بصورت غریزی بر تهاجم لگام می زند.

موش که این همه با انسان مقایسه می شود، در هنگام انفجار جمعیت، یا اضافه جمعیت، نرخ تولید

مثل خود را مهار می‌کند در حالی که در انسان این مهار غریزی وجود ندارد. موشها هنگامی به یکدیگر حمله می‌برند که انسانها در محیطهای آزمایشگاهی فضای زیست آنان را تنگ و تحمل‌ناپذیر کرده باشند.

جالب است بدانید که در یک محیط آزمایشگاهی بر جمعیت موشها بتدریج افزودند و متناسب با افزایش جمعیت، میزان الکل رقیق قابل مصرف آنان را زیادتر کردند. هنگامی که جمعیت موشها به حد تحمل‌ناپذیر رسید، بدمستی و داسم‌الخموی هم در میان آنان مشاهده شد!

اما یک نکته را فراموش نکنیم که خوشبختانه موشها با همه شباهت‌های فیزیولوژیکی که با انسان دارند، کاشف مشروبات الکلی نبودند. مست‌رانندگی نمی‌کنند و در رقابتهای رزمی و ورزشی مواد انرژی‌زا یا مشروبات الکلی را مورد استفاده قرار نمی‌دهند!

### پرنندگان هملت ندارند!

یکی از جلوه‌های خشونت و تهاجم در جانوران در نرهای آنها و در فصل جفت‌گیری قابل مشاهده است.

در این رقابت‌ها که در میان نرهای پرنندگان بسیار زیبا و با شکوه است عده‌ای قلیل‌پرچین‌نشین<sup>۶</sup> می‌شوند. و عده‌ای دیگر هم بخت ریختن

ژن خود در برکه ژنی<sup>۷</sup> گونه خود را نمی‌یابند. اما هیچ نر ناکامی مانند عمومی هملت توطئه نمی‌کند و به قتل ناجوانمردانه برادرش دست نمی‌یازد. آری، خیانت از ویژگی‌های خاص انسان است.

با آنکه حیوانات در امور جنسی، مانند انسانها خلوت نمی‌گزینند، اما در نجابت یک سر و گردن از انسان متمدن‌آموزی بالاتر هستند.

حیوانات فقط تابع غریزه، یا همان فعالیت هورمونی و فهلگی هستند و هرگز برای منتفع بیشتر به تماشای تصاویر و فیلمهای فبیحه نمی‌نشینند و به

کمک قرص‌های محرک، اشتهای جنسی خود را تیزتر نمی‌کنند!

اما انسان دیروزی و امروزی به مدد تخیل بیمارگونه خود الفیه و شلفیه<sup>۸</sup> می‌کشد.

آغا محمدخان قاجار به سفاکی و خونریزی شهره آفاق شد و هم او پس از جنگ‌های متمادی با لطفعلی خان زند، او را شکست داد و به اسارت درآورد. اما پس از دستگیری و پیش از سپردن به میرغضب او را به دوپست لوطی گردن کلفت تهرانی داد تا با او کاری



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ژانل بین علوم انسانی

مشخصه ویژه خود مدد می‌جوید. نخست، زبان که ظاهراً سایه فخر بشر است، و دیگر اسطوره‌سازی.

### انسان مادون یا مادون انسان

در مورد زبان باید گفت که کاربردی دوگانه دارد؛ از یک سو می‌آفریند و از سوی دیگر نابود می‌کند. اومانیت‌ها (انسان‌باوران) در مورد زبان، تفکر و آفرینش طی سده‌های متمادی غلو کرده‌اند، اما من از پرده پنداری که زبان می‌آفریند سخن می‌گویم.

بسرای آنکه

سفیدپوستی

سیاه‌پوستی را بکشد؛

یا عربی عجمی را از

پای درآورد لازم است

زبان تمایز ایجاد کند،

و حجابی در برابر

دیدگان آدمی بکشد.

هر کلمه و هر واژه در

هر زبانی بار یا حوزه

معنایی خاص دارد.<sup>۹</sup>

هنگامی که کلمه

سیاه یا بار معنایی

ناتوان، ترویج و تبلیغ

می‌شود، بنمباران

کشورهای آفریقایی

دیگر هیچ احساس

شرمی در خلبان

سفیدپوست

بسر نمی‌انگیزد. آن

هنگام که به انسان در

نجد (فلات) ایران،

عجم به معنی گنگ و

بی‌خبر می‌گویند پس

سر از تن گنگان

(عجم‌ها) جدا کردن

صواب هم دارد.

حق با اریک فروم

است که می‌گوید: «در جامعه جدید همه حکومتها

می‌کوشند در صورت جنگ این احساس را در میان

مردم خود برانگیزند که دشمن انسان نیست، دشمن را

با نام درستش نمی‌خوانند، بلکه با نام دیگری، همان

گسونه که در نخستین جنگ جهانی

بریتانیایی‌ها، آلمانی‌ها را «هون» و فرانسوی‌ها «بوش».

این نابودسازی انسانیت دشمن در مورد دشمنانی

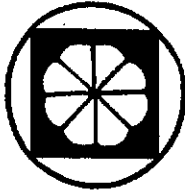
که رنگ پوستشان متفاوت بود به اوج خود رسید.

در جنگ ویتنام، سربازان آمریکایی، ویتنامی‌ها را

«کثافت» می‌خواندند و حتی با به کار بردن کلمه «تلف

کنند که هیچ حیوان نری با هم‌نوع نر خود نمی‌کند... در میان حیوانات، حتی تحقیرحریف شکست خورده را مشاهده نمی‌کنیم تا چه رسد به چنین برخوردی از نوع آغا محمدخان.

جناب سردبیر، خوانندگان محترم... پرخاشگری و تهاجم در حیوانات به خاطر حفظ نسل گونه است نه هدم آن. در حالی که هدف انسان از جنگ، ویران‌سازی و نابودی نسل است. منتهی برای آنکه انسان بتواند خود را به پاک‌سازی قومی، نسل‌کشی و یا نابودی به اصطلاح نژاد پست‌تر ترغیب کند، از دو وجه



# شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری

## هدف از تأسیس

شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری بر اساس قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری با مشارکت بیمه مرکزی ایران و شرکتهای بیمه ایران، آسیا، البرز، دانا و بانکهای ملی، صادرات، توسعه صادرات، تجارت و ملت با سرمایه اولیه بالغ بر بیست میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردیده است.

هدف از تأسیس این شرکت ارائه پوششهای بیمه‌ای مورد نیاز صادرکنندگان کالا و خدمات و سرمایه‌گذاران و کمک به توسعه و اعتلای صادرات غیر نفتی کشور در راستای اولویتهای برنامه‌های اقتصادی دولت بوده است. تأسیس این شرکت نقطه عطفی است در ارائه خدمات بیمه‌ای مورد نیاز صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران در جهت حفظ سرمایه و دستاوردهای آنان.

تهران، خیابان ولی‌عصر، بالاتر از میدان ونک، خیابان شریفی، پلاک ۱۱/۱  
تلفن: ۰۲۱-۸۷۷۱۱۶۷ - ۸۷۷۱۲۴۶ فاکس: ۸۷۷۱۲۴۵

اجتماعی

شدن» در مورد کشته شدگان ویتنامی، کاربرد کلمه «کشتن» را حذف کرده بودند.

هیتلر هم دشمنان آلمان را مادون انسان<sup>۱۰</sup> می‌خواند.

کشتن هنگامی برای انسان دشوار یا غیرممکن می‌شود که انسان موجودی غیر از خود را در ویژگی زندگی، جان و روح با خود سهیم بداند. با چنین نگرشی است که کشتن حیوانات در هندوئیسم ممنوع می‌گردد.<sup>۱۱</sup>

اما نقش اسطوره و اسطوره‌سازی در ارضاء غریزه نابودسازی انسان:

در منطقه خاورمیانه که خشکی‌های سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا به هم سائیده می‌شدند و می‌شوند، در کنار ادیان آسمانی، اسطوره‌ها در این منطقه دین خیز نیز در اذهان انسانی زاده می‌شوند.

در یکی از میدانهای شهر بغداد، مناره‌ای از کلاه‌های سربازان ایرانی به عنوان نمادی از سزهای آنان در معرض تماشای مردم عراق و جهانگردان گذاشته شده است.<sup>۱۲</sup> و بر فراز این مناره، بر روی دیواری وسیع، تصویر آشور بانیهال، با چهره و لباس ارتشی صدام حسین، و درحالی که سوار بر اراپه‌ای جنگی می‌تازد کشیده است! درحقیقت این نقاشی دیواری، اسطوره ذهنی حامیان صدام و خود او را نمایان می‌کند. او می‌خواهد به اسطوره جنگ طلب پنهان در پسله‌های ذهنی مردم عراق روح تازه‌ای بدمد، و به آنان بگوید اگر امروز، در اواخر سده بیستم میلادی می‌کشم و نابود می‌سازم می‌خواهم حکومت باستانی بابل را در عراق امروز احیاء کنم. از این رو کشتن غیرنظامیان همانقدر آسان است که برای آشور بانیهال بود، با این تفاوت که او به تیغ شمشیر و سرنیزه یکی یکی می‌کشت ولی صدام حسین با بمب‌های شیمیایی و سلاحهای میکروبی انبوه‌گشی می‌کند.

آری، درست است که انسان در نظام طبیعی شکستنده کره زمین موجودی خودساخته است، اما به ازای پیشرفت مادی، دیو درون یا آدمک خود را صرفاً با دانش تر کرده است، ولی فرهیختگی نیافته است. از این رو فن‌آوری (تکنولوژی) سده بیست و یکم در دست همان انسانی است که پیشتر به نام سیناتروپوس پکنیز (انسان پکن) معرفی شد. متتهی او در غارهای محلی که امروزه پکن می‌نامیم، با درآوردن چند آوا از حلقوم به جای زبانی پیشرفته و الفبائی، هم‌نوع خود را می‌فریفت و با سنگی نوک تیز او را می‌کشت، اما انسان امروز با بهره‌گیری از علوم ارتباطات و شبکه‌های ماهواره‌ای عوام فریبی می‌کند و با سلاح لیزری آدم می‌کشد و یا پروژه جنگ ستارگان راه می‌اندازد.

باید یادآوری کنم همین حالا که شما این سطور را در ستایش حیوانیت و تقبیح انسان می‌خوانید حدود ۳۷ جنگ منطقه‌ای در گوشه و کنار جهان در جریان است و بیش از ۱۵۰ میلیون مین ضد نفر در سطح کره خاکی ما کار گذاشته شده، تپای زارعی، رهگذری، یا حتی کودک بازیگوشی برآن فرود آید و...

این که دیو درون انسان را چگونه مهار و مطیع کنیم، پرسشی است که ادیان آسمانی برای آن پاسخی دارند. این نکته را نباید فراموش کرد که دین باوری و اعتقاد به مابعدالطبیعه خاص و امتیاز بشر است، اما ریا و دورنگی و خودفریبی نیز وجه مشخصه انسان راست قامت است.

### 10- Apprehension

۲- بطلان غریزه گرانی، آناتومی و پیراناسازی انسان، اریک فروم صفحه ۱۲۱.

۳- ویلهم رایش، روانشناس آلمانی که کتاب Listen little man او به ترجمه مرحوم سید احمد نوائی تحت عنوان «گوش کن آدمک» منتشر شد.

۴- بطلان غریزه گرانی، همانجا.

### 5- On aggression, Konrad Lorenz, p.205

۶- در میان پرندگان نرهایی که توسط ماده‌ها انتخاب نمی‌شوند، برچین‌نشین نامیده می‌شوند.

### 7- Gene pool

۸- صور قبیحه و تصاویر شهوت‌انگیز که به روایت بیتهی در اتاق‌های مسعود غزنوی پسر محمود غزنوی یافت می‌شد.

۹- به نظر زیان‌شناسان دو کلمه در هیچ زبانی دقیقاً مترادف هم نیستند. یعنی یک حوزه معنایی را اشغال نمی‌کنند.

### 10- Untermenschen

۱۱- مراد تبلیغ هندوئیسم نیست. افراط‌گری این فرقه در مورد تکشتن موشهای ناقل طاعون در هند در همین چند سال پیش بخوشدنی نیست.

۱۲- نقل از فیلم مستندی از شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی.